کرده بود و منافع متعددی در این کشور داشت و از طرفی هم تمایل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور سوریه هم نداشت. روسیه تمایلی به رفتن آقای بشار اسد از صحنه قدرت نداشت، بویژه که گزینه‌های جانشینی آقای اسد از یک طرف طیف‌های لیبرال و غرب‌گرا بودند که می‌توانستند سوریه را عملا در دامان آمریکا و غرب بیندازند و از طرفی طیف‌های تندرو و جریان‌های تروریستی بودند که می‌توانستند سراسر منطقه را به آشوب بکشند. واقعیت این است که به رغم همه این منافع و ملاحظاتی که روس‌ها در سوریه داشتند، تا زمان سفر سردار سلیمانی به مسکو، به شکل مستقیم ورود نظامی نکردند.

نکته دوم اینکه تصمیم به همکاری با روسیه در سوریه یک تصمیم و ابتکار عمل کاملا ایرانی بود. در داخل ایران و مجموعه نظام این تصمیم گرفته شد که ایران برای تغییر شرایط سوریه نیازمند کمک است و در بین بازیگرانی که می‌توانستند این کمک را به ایران بدهند، روسیه بهترین گزینه بود. روسیه یک قدرت قابل ملاحظه در حوزه نظامی به شمار می‌آید و از طرفی هم بازیگری بود که در مسائل سوریه با ایران همسو بود و همانند ایران خواهان حفظ دولت سوریه بر مسند کار و مخالف به قدرت رسیدن جریان‌های تروریستی یا طیف‌های غربگرا بود. بنابراین تصمیم در داخل ایران گرفته می‌شـود که ایران به همکاری خود با روسیه عمق ببخشد. وقتی این تصمیم گرفته می‌شود نام افراد مختلفی برای مذاکره با روس‌ها و طرح پیشنهاد ایران مطرح می‌شـود. از آقای ولایتی گرفته تا آقای ظریف که وزیر امور خارجه بود تا وزیر دفاع و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح؛ همه اینها گزینه‌های جدی‌ای بودند که نام‌شان مطرح شد تا بروند و این مذاکرات را انجام دهند.

کار بزرگی که سردار سلیمانی کردند، این بود که نه تنها بازیگران غربی را در کشورهایی که به آنها تجاوز کرده بودند، زمینگیر کردند بلکه طرح‌ها و نقشه‌های بلندمدت آنها برای اعمال فشار بیشتر بر ایران را نیز خنثی کردند

بنده نمی‌خواهم منکر توانمندی هر یک از این اشـخاص و مقامات شوم اما امروز می‌توانیم این جمع‌بندی را داشته باشیم که اگر سردار سلیمانی نمی‌رفت و آن مذاکرات را انجام نمی‌داد، شاید این همکاری‌ها شکل نمی‌گرفت، زیرا سردار سلیمانی یک ویژگی قابل توجه داشت و آن هم ویژگی اقناع‌کنندگی بود که در گذشته بارها در رایزنی‌های دیپلماتیک توانسته بود مسائلی را که دنبال می‌کرد به نتیجه برساند. به دلیل اینکه ایشان از سوی آمریکایی‌ها تحت تحریم قرار داشت، ناگزیر سفر ایشان به شکل محرمانه انجام می‌شود و در جلسه‌ای که شخص آقای پوتین و مقامات نظامی روسیه حضور داشتند، سردار سلیمانی به گونه‌ای طرح مساله می‌کند و جنبه‌های مختلف موضوع را مطرح می‌کند که این جلسه برای چند ساعت به طول می‌انجامد، در صورتی که قرار بود زمان جلسه کوتاه باشد.

واقعیت این است که این طرح «کاملا ایرانی» بود و از طرف ایران طراحی شده بود و نگاه هم همکاری‌جویانه بود. برخی تلاش می‌کنند بگویند روسیه، نیروی هوایی ایران بود یا ایران، نیروی زمینی روسیه بود اما هیچ‌یک از این ۲ نبود. ایران و روسیه توافق کردند برای دستیابی به یک هدف مشترک، یعنی نگه داشتن دولت سوریه و مبارزه با تروریست که می‌توانست به هر دو کشور به یک اندازه آسیب بزند و از طرفی مقابله با طرح‌ها و نقشه‌هایی که آمریکایی‌ها و رقبای ما در منطقه داشتند، وارد عمل شوند و بتوانند این هدف مشترک را به پیش ببرند. بنابراین ما با یک طرح کاملا ایرانی مواجه بودیم؛ طرحی که سردار سلیمانی در طراحی آن نقش بسیار مهمی ایفا کرده بود و در نهایت هم با انجام این مأموریت موفق توانست صحنه تحولات سوریه را کاملا دگرگون کند، زیـرا اگر به آن تاریخ و دوره بازگردید، ملاحظه می‌کنید همه از قریب‌الوقوع بودن سقوط دمشق صحبت می‌کردند. این اقدام در یک برهه حساس تاریخی انجام و سردار سلیمانی موفق شد با همکاری روس‌ها به آن اهدافی که در نظر داشت، برسد. می‌توان گفت نه تنها یک همکاری خوب بین ایران و روسیه در سـطح منطقه شکل گرفت، بلکه در مناسبات دوجانبه ایران و روسیه هم تاثیر قابل توجهی داشت. مثلا مباحثی مثل سامانه «اس ۳۰۰» که به یک گره حقوقی و دعوای سیاسی بین ایران و روسیه مبدل شده بود، با همین سفر حل شد. یکی از پیامدهای همکاری ایران و روسیه در قضیه سوریه تغییر رویکرد روس‌ها به همکاری دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای با ایران بود. بنابراین بحث‌هایی که مطرح می‌شود که روس‌ها از ایران به عنوان نیروی زمینی استفاده کردند یا ابتکار در سوریه یک ابتکار روسی بود، کاملا اشتباه است، چرا که اگر روس‌ها می‌خواستند در سوریه حضور نظامی داشته باشند براحتی و حتی بدون هماهنگی با ایران می‌توانستند این کار را انجام دهند. افرادی که این بحث‌ها را مطرح می‌کنند، باید به این سوال پاسخ دهند که نفوذ و منافع روسیه قبل از سفر، سردار سلیمانی به مسکو هم وجود داشت اما چرا قبل از این سفر روس‌ها تصمیمی مبنی بر حضور مستقیم نظامی در سوریه نداشتند و چرا بعد از این سفر روس‌ها مجاب و اقناع می‌شوند حضورشان در سوریه را بیشتر کنند؟ همان‌طور که عرض کردم، هم طرح ایرانی بود و هم ابتکار عمل و قدرت بالای اقناع‌کنندگی سردار سلیمانی در این باره واقعا موثر بود، به نحوی که اگر شخص دیگری به جای ایشان می‌رفت، شاید در این مأموریت موفق نمی‌شد و نمی‌توانست با روس‌ها یک طرح همکاری منطقه‌ای را به پیش ببرد.

یادداشت

مکتب سلیمانی و جمع بین اضداد!

حجت‌الاسلام محسن قنبریان
استاد حوزه

آفتاب را نباید از پنجره شرقی یا غربی خود دید. شخصیت‌های بزرگ و جامع نباید دچار دید تبعیضی ما شوند؛ یک جنبه آنها دیده و جنبه دیگر فراموش شود.

عجیب‌تر وقتی اسـت که این جنبه‌ها به حسـب ظاهر در مقابل هم و متضاد با هم جلوه کنند! امام خمینی درباره امیرالمومنین(ع) می‌فرمودند جامع اضداد است.

سر محبوبیت و راز فراگیری شخصیت‌های افسانه‌ای، جامعیتی اینچنین است.

مثلا شخصیتی نظامی و باصلابت، انسانی منعطف و رقیق‌القلب هم باشد. هم امنیتی و هم آزادی‌خواه باشد. آنقدر وطن‌خواه و متعلق به ایران اسلامی باشد که جمهوری اسلامی را حرم بداند و حاضر باشد جای پرچم ایران، پیکر او را آتش بزنند؛ در عین حال جهان‌وطن باشد و عراق را برای عراق و سوریه را برای سوریه بخواهد و از دست داعش نجات‌شان دهد!

این جذابیت سحرگونه را در چند دوگانه بهتر می‌شود نمایاند.

۱- توازن در مرز با فتنه خیابانی و تحمل مخالف و آزادی تفکر و بیان

امضـای نامـه ۲۴ فرمانده سـپاه ۱۰ روز بعد از غائله کوی دانشـگاه به رئیس‌جمهور وقت، نمونه خط‌گذاری او با فتنه خیابانی علیه نظام اسـت. آنجا می‌نویسند: «با کمال احترام و علاقه به حضرتعالی اعلام می‌داریم کاسه صبرمان به پایان رسیده و تحمل بیش از آن را در صورت عدم رسیدگی بر خود جایز نمی‌دانیم».

اما همو در ۲ خرداد تبلیغ برای رقیب خاتمی در لشکر را اجازه نداده بود و سپاهش را بی‌طرف در انتخابات‌ها کرده بود.

یا مثلا کتاب «حاج آخوند» نویسـنده اتاق فکر جنبش سـبز در لندن [مهاجرانی] را به دوسـتان هدیه می‌دهد! کمتر بسـیجی و حزب‌اللهی‌ای جرات می‌کند کتابی از مهاجرانی را در دست بگیرد و متهم به انحراف نشود!

این نشانه آن توازن است. سردار نه در ۸۸ بی‌طرف است، نه با مهاجرانی آشـتی کرده اما کتابی مفید از او درباره پیری روحانی و مهذب را خواندنی می‌بیند؛ حتی زمینه سفر او به سوریه و زیارتش را فراهم می‌کند!

متاسفانه دچار تبعیض در ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در بین چهره‌ها و گروه‌ها هستیم. مغز متفکر یک جناح «اشغال» را به نام «دموکراسی برون‌زا» تئوریزه می‌کند و چیزی از استقلال نمی‌گذارد! برخی متفکران جناح مقابل هم صندوق رأی را از باب وهن شـریعت می‌پذیرند و چیزی از جمهوریت نمی‌گذارند! در حالی که رهبر انقلاب صندوق رأی را «متن اسلام» می‌خواند.

۲- جمع بین شیعه متشرع بودن با نگاه انسانی داشتن به غیر هم‌کیش و نامتشرع

سـردار دل‌ها به تبع امام عزیز، تقابل واقعی و اصیل را بین «مسـتکبر/ مستضعف» و «تقابل اسلام ناب/اسلام آمریکایی» (اسلام مرفهین بی‌درد و اسلام اشرافیت و...) می‌دانست، نه دوگانه‌های غلط «بی‌حجاب- باحجاب» یا «اصلاح‌طلب-اصولگرا»!

در خارج هم دوگانه «شیعه- سنی» را غلط و در راستای توطئه دشمن برای القای هلال شیعی و احیای صفوی می‌دانست.

شهر بیجی عراق را وقتی از دست داعش نجات داد، دختری مسیحی بر کلیسا نوشت: مریم مقدس راحت بخواب که دیگر مسیح بر صلیب نمی‌شود!

سـیامک مره‌صدق، نماینده کلیمیان مجلس در جلسه پارلمان اروپا در بروکسل گفته بود: «اروپاییان باید از این خجالت بکشند که تنها کسی که از مسـیحیان شـرقی دفاع کرد، سردار سلیمانی مسلمان بود، در حالی که نمایندگان پارلمان اروپا پا روی پا انداخته بودند و آب معدنی‌شـان را میل می‌کردند».

این همان مکتب امام خمینی اسـت که ما می‌خواهیم صدای مرگ بر آمریکا از ناقوس کلیساها شنیده شود.

سـلیمانی موافق بی‌حجابی نبود، همه افکار اصلاح‌طلبان یا همه اعمال اصولگرایان را هم قبول نداشت اما تقابل این دو را کاذب و غیرضرور می‌دید. می‌فرمود: «این بی‌حجاب است، آن باحجاب است؛ این چپ است، آن راست؛ این اصلاح‌طلب است او اصولگراست! خب پس چه کسی را می‌خواهید حفظ کنید؟!»

۳- صدور انقلاب با حفظ استقلال کشورها

امام عزیز، انقلاب ما را مقدمه ظهور خواند و از «لزوم صدور انقلاب» گفت. دشمن آن را «امپراتوریسم» و دخالت و آشوب در کشورها تبلیغ کرد. برخی دوستان هم منفعل شده از «مالزی شیعی» و «ژاپن اسلامی» گفتند! یعنی ما هم کشوری مثل کشورها؛ چه کار به دولت‌های دیگر داریم...

سردار دل‌ها آن توازن عالی و آرمان امام را محقق کرد و جلوی چشم‌ها آورد.

«ابوسنینه» روزنامه‌نگار فلسطینی سال ۲۰۱۲ از سران مقاومت فلسطین می‌پرسد چه کسی فلسطین را برای خود فلسطین و مقاومت می‌خواهد؟! همه می‌گویند: جمهوری اسلامی!

«یحیی السـنوار» درباره حاج‌قاسم می‌گوید خالصانه و با تمام وجود به فلسطین عشق می‌ورزد.

«نورالدین شیرین» مدیر شبکه قدس ترکیه در برنامه زنده شبکه ۵ آنجا گفت: سردار سلیمانی در مقابل کودتای نافرجام ۲۰۱۶ ترکیه بیشتر از ژنرال‌ها و سیاسیون ترکیه، نقش آفرید!

جلوگیری از سقوط دمشق و بغداد هم که بی‌نیاز از توضیح است.

۴- توازن عدالت و پیشرفت

رهبر انقلاب ۹۶/۱۱/۲۹ فرمودند: «ما دهه چهارم انقلاب را دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردیم. پیشرفت به معنای واقعی کلمه در کشور اتفاق افتاده است؛ عدالت را نمی‌گویم! درباره عدالت ما عقب‌مانده هستیم، در این تردیدی نیست، خودمان اعتراف می‌کنیم».

بدون پیشـرفت، عدالت، تقسیم فقر است اما پیشرفت بدون عدالت هم بزرگ‌تر شدن فاصله قله‌های ثروت و دره‌های فقر است.

سردار سلیمانی آن روز که فرمانده لشکر در کرمان و سیستان بود، کنار توسعه استان، پیگیر عدالت برای مناطق محروم آنجا بود.

سیل و محرومیت خوزستان به لحاظ کاری و سازمانی به او ربطی نداشت اما به رغم خطر، آمد و تا زانو در آب به مردم محروم روستاهای سوسنگرد و... کمک کرد.

در النبل و الزهرای سوریه، محاصره و محرومیت با آنها کاری کرد که ریشه درختان را می‌خوردند! در وسط داعش محاصره بودند. دالان و معبری طولانی بین داعش باز کرد تا نجات‌شان دهد.

عدالت برای او مقیاسـی بین‌المللی داشت، لذا عدالت‌خواهی‌اش به استکبارستیزی می‌کشید و بی‌اعتنای به دشمن اسلام مستضعفان نمی‌شد.

«یوناتن بت‌کلیا» نماینده مسیحیان آشوری و کلدانی ایران در مجلس، جامعه آشوریان را مدیون او خواند. «وقتی ۳۰۰ آشوری در سوریه اسیر داعش بودند، با سردار دیدار و از ایشان کمک می‌خواهد، آن عزیز ۲۲۵ نفر آنان را آزاد می‌کند (۷۵ اسیر را داعش کشته بود)».

کشیش کلیسای شرق آشور (داریاووش عزیزیان) هم گفت: «سردار بود که صدها هزار مسیحی را از دست داعش نجات داد»!

۵- کارآمدی جهادی در عین عقلانیت

حضرت آقا فرمودند: «مشروعیت همه ما بسته به انجام وظیفه و کارآمدی در انجام وظیفه اسـت... هر جا کارآمدی نباشـد مشروعیت از بین خواهد رفت» (۸۳/۶/۳۱).

۲۲ سال (از ۷۶ تا ۹۸) فرمانده سپاه قدس بود. حتی منتقدان از این طولانی بودن مسؤولیتش انتقاد نکردند، چرا؟ چون کارآمدی می‌دیدند. سال ۲۰۰۶ پیروزی در جنگ ۳۳ روزه، سال ۲۰۰۹ پیروزی در غزه، بعد پایان داعش و...

برای برخی منصوبان و منتخبان هم مردم «من یجیب» می‌گیرند تا زود تمام شوند یا دوباره ابقا نشوند! در همه این کارآمدی‌ها از عقل و تدبیر پر بود. آقای امیرعبداللهیان از زبردستی او در مذاکرات می‌گفت؛ حتی نحوه مذاکره با آمریکایی‌ها و...!

۶- طهارت اقتصادی در شرایط سخت

معمولا تنگناها برای مردم عادی، محذورات را مجاز می‌کند. انسان‌های بزرگ محذورات را در تصرف خود می‌آورند.

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم، «طهارت اقتصادی» را شرط «مشروعیت کارگزار» نظام اسلامی خواندند.

منجـی حلب برای مقابله با داعش حتـی از صاحبخانه خانه خالی هم حلالیت می‌طلبد.

وقتی ۴۰۰۰ آقازاده خارج‌نشین داریم، سردار دل‌ها اگر بچه‌اش را خارج ببرد، زیر آتش دشمن در عراق بین صفوف مجاهدان می‌برد. دختر دلبندش را با خود می‌برد تا از او زینب بسازد.

با این همه دوندگی و دوری از خانواده، اضافه حقوقی نگیرد؛ وضع خانه و زندگی‌اش این باشد.

برای بستری نوه‌اش بیمارستان دولتی برود و اجازه ندهد تختی را زودتر خالی کنند!

اینها ارزش‌های مکتب انقلاب بود که در این مرد متوازن تجلی داشت، وقتی دچار خلل و تبعیض در آنها بودیم، لذا همه مردم او را خواسـتند مثل انقلاب ۵۷.